

سخن مدیر مسؤول

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای را بر آفریدگانش دو حجت است: حجت آشکار، که پیامبران و جانشینان بحق آنان‌اند، و حجت پنهان که عقل سرشته شده در نهاد مردمان است. (اصول کافی، کتاب العقل والجهل، حدیث ۱۲)

این کلام بلند امام کاظم علیه السلام، نشانگر راهی روشن فرا روی انسانها است که هر چه بیشتر در آن درنگ و تأمل کنیم، پرده‌هایی دیگر از حقایق الهی پیش روی ما بالا می‌رود. یک نکته مهم در این سخن نورانی الهی، آن است که این دو حجت، هر دو از ناحیه خدای آفریدگار، مأموریت یافته‌اند تا بندگان او را هدایت کنند. از این رو، هیچگاه از هم جدایی ندارند، و همواره با هم و در کنار هم، مشعل برای رهنمونی بشر، بر می‌افروزند.

* * *

ارزش این گوهر والای کان ولایت، بالاتر از توضیح یاد شده است. بر مبنای آموزه‌های وحیانی، اساساً یکی از مهمترین اهداف پیامبران، برانگیختن و بیدار کردن عقول آدمیان است. این حقیقت را وصی بحق انبیای الهی، امام امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در جمله‌ای کوتاه چنین بیان می‌دارد:

«فبعث فیهم رسله ... لیثیروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

دفینه چیست؟ دفینه، سرمایه‌ای است متعلق به یک انسان، که خودش از آن مالکیت، بی‌خبر است. هر کس خاک‌ها را به کناری زند و دفینه متعلق به یک فرد را به او نشان دهد، سرمایه‌ای عظیم به او نمایانده است. و آن فرد - اگر قدرشناس باشد - خود را همواره مدیون می‌داند نسبت به راهنمای دلسوزی که دفینه را به او نمایانده است.

* * *



چنین است که خرد پیشگان خردورز، همواره خود را مدیون پیامبران و جانشینان بحق آنان می‌دانند، چرا که نه تنها با عقل همراه و توأمان‌اند، بلکه اساساً به احیای این نعمت خداداد الهی برخاسته‌اند و همواره گرد و غبار غفلت را از روی آن می‌زدایند، تا انسان به مدد این گنج بی‌رنج - که موهبت و اهب العطایا است - در ادامه راه تا نهایت بی‌پایان دنیای واپسین، به سلامت راه سپرد.

* * *

کلمات جاودانه امیر خردها و پیشگام خردورزان صلوات الله علیه، خوان احسان را بدان سان برای سالکان راه هدایت گسترده که تمام آنان، خود را مدیون حضرتش می‌دانند. افزون بر آن، خورشید هدایت این کلمات را به گونه‌ای پرتو افکن می‌دانند که هر سخن زیبا از هر حکیم و عارف و فرزانه‌ای را در برابر آن، مانند پرتو لرزان شمعی در پیشگاه خورشید می‌بینند.

سخن ابوالفتوح، مفسر حکیم شیعی قرن ششم، بسیار ژرف و راهگشا است، که پس از نقل خطبه‌ای از امام امیرالمومنین علیه السلام در تفسیر خود (ذیل آیه ۳۴ سوره احقاف) می‌نویسد: «این خطبه، جامع است این معنی را که لایق این آیت است. و به عوض آن آوردم که در تفسیرها آورده‌اند از کلام زهاد و سیر عباد. و برای آن به پارسی نیاوردم تا رونق فصاحت و مبالغت در بلاغت، از کلام او علیه السلام - که بر او مسحه‌ای از طلاوت کلام نبوی است و طراوتی از کلام ربّانی - به توفیق الهی فوت نشود. و این یک خطبه از کلام او، اینجا بس است. (تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۷، ص ۲۶۹)

* * *

ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی دانشمند شافعی قرن هشتم، در مجموعه نو یافته «سفینه تبریز» - که در سالهای ۷۲۱ تا ۷۲۳ تدوین کرده - صد کلمه از کلمات قصار علوی را گزیده و در صدر آن می‌نویسد «روی عن علی بن ابی طالب کرم الله وجهه مائة کلمة تنیء کل کلمة منها بألف من محاسن الآداب (ظ: آداب) کلام العرب. ولو قلت أن اهل الارض یعجز عن مفهومها لصدقت».

«از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه صد کلمه روایت شده که هر یک از آنها با هزار



سخن از نیکوترین سخنان کلام عرب برابری می‌کند. و اگر بگوییم که تمام اهل زمین از آوردن مانند آن ناتوان‌اند، به یقین راست گفته‌ام» (سفینه تبریز، چاپ عکسی مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲، ص ۹۹)

* * *

با کمترین پژوهش، نمونه‌هایی دیگر از این گونه سخنان در بیان اهل نظر، اعم از شیعه و سنی و مسیحی و غیر آنان می‌توان یافت. نمونه را، به سخن فقیه بزرگ قرن چهاردهم، مرحوم آیه‌الله میرزا محمد حسین نایینی بنگریم که پس از اعطای اجازه روایت به یکی از دانشوران معاصر خود، در توصیه به او می‌فرماید:

«او را سفارش می‌کنم بدانچه امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله الطاهرین فرزند خود ابامحمد حسن علیه السلام را پس از بازگشت از صفین توصیه فرمود. بخشی از آن وصیت، که وصیت نامه حضرتش به تمام شیعیان است تا روز قیامت، این کلام از آن امام همام است که فرمود:

فأني أوصيك اي بني بتقوى الله و لزوم امره، و عمارة قلبك بذكره. و أحي قلبك بالموعظة، و أمته بالزهادة، و قرره بالفناء، و بصره فجائع الدنيا، و أعرض عليه اخبار الماضين، و ذكره بما اصاب من كان قبلك من الأولين.

فانظر فيما فعلوا، و عما انتقلوا، و اين حلوا و نزلوا. فانك تجدهم قد انتقلوا عن الأحبة و حلوا دارالغربة. و كأنك عن قليل قد صرت كأحدهم، فأصلح مثواك، و لا تبع آخرتك بدنياك - تا آخر آنچه در این وصیت مبارک آمده است.

و نیز بر تو باد - نور دیده‌ام - به کثرت تأمل و تدبیر در کلماتی که در نهج البلاغه از آن حضرت صلوات الله علیه و آله الطاهرین رسیده است، در خطبه‌های مبارکی که با یادکرد مرگ پیوند دارد، خصوصاً کلامی که از حضرتش روایت کرده که پس از تلاوت آیه «الهاکم التکاثر» فرمودند. (۱)

چرا که کثرت تأمل و تدبیر در آن کلام و قرار دادن آن پیش چشمان، از ارج و جایگاه



۱- این خطبه، در نهج البلاغه به تحقیق مرحوم فیض الاسلام، به شماره ۲۱۲ (ص ۶۹۴-۷۰۳) آمده است.

ویژه برخوردار است.»^(۱)

میرزای نایینی در جای دیگر، در مورد خطبه اخیر می‌فرماید:

«زاهدان، از کثرت تدبّر در این خطبه مبارک، به درجاتی از زهد و تقوی رسیده‌اند که

جز خدا و راسخون در علم، کسی از آن درجات خبر ندارد»^(۲)

* * *

جای شگفتی نیست از خدای احسن الخالقین، که به کلام این بنده برگزیده خود - امام امیرالمؤمنین صلوات الله علیه - ویژگی‌های زیادی داده است، از جمله خوب سخن گفتن، و در کنار آن: سخن خوب گفتن. کم نیستند گویندگانی که در کلام آنها، تنها یک جنبه می‌توان یافت: جمال ظاهر یا کمال باطن. اما حکمت علوی، جامع هر دو جنبه است. و دریغ! که در بررسی آن، به وجهه بیرونی آن یعنی فصاحت و بلاغت بیشتر پرداخته‌اند. و ژرف نگری درون مایه آن، سهمی کمتر در پژوهش‌ها داشته است.

* * *

در این مجال کوتاه، برای این که جان را به نظاره‌ای از چند منظر به سخنان «امیر کلام» تبرک بخشیم، به «کلام امیر» پرداختیم. و این شماره را به «حکمت علوی» اختصاص دادیم، بوستانی پر از گل‌های معطر، که جاودانه کتاب «نهج البلاغه» تنها «یک شاخه گل دماغ پرور» از آن بوستان معطر است. این سیر و سفر معنوی - به حول و قوه خدای بزرگ - در شماره آینده نیز ادامه خواهد یافت.

* * *

این مجموعه کم برگ - که امید است پربار باشد - به خوانندگان پژوهنده خود، پیامی کوتاه و ژرف دارد. هدف، آن است که هر یک از این عزیزان، از خود بپرسد:



۱ - این جملات، از اجازه روایتی میرزای نایینی به آیه‌الله میرزا حسین فقیه سبزواری (۱۳۰۹ - ۱۳۸۶ هجری

قمری) انتخاب و ترجمه شد. ربک. «عمری پرافتخار، خاطرات زندگانی حضرت آیت الله العظمی فقیه سبزواری»، حسین نوقانی و محمد ناصری. مشهد: بورس کتاب، ۱۳۴۶، ص ۳۹ - ۴۰.

۲ - بخشی از اجازه مرحوم میرزای نایینی به آیه‌الله میرزا مهدی اصفهانی، متن کامل این اجازه در منبع زیر آمده است: متآله قرآنی، محمد علی رحیمیان فردوسی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲، ص ۴۱۳ - ۴۱۵.

«من برای ترویج ارزش‌های نهفته در این کلمات نورانی، چه کاری کرده‌ام؟».

با امیدی روشن و باوری محکم به این نوید امید آفرین واپسین جانشین مولی الموالی، حضرت بقیة‌الله ارواحنا فدا، که فرمود:

ان استرشدت، اُرشدت و ان طلبت، وجدت (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۹)

اگر (به راستی) راه رشد و هدایت را بخواهی، ارشاد شوی. و اگر طلب کنی، می‌یابی.

